



16 امارچ 2018

داکتر سید عبدالله کاظم

به مناسبت چهلمین سالگرد قیام تاریخی و بزرگ مردم هرات

قیام بزرگ و خودجوش مردم هرات یکی از حوادث خونین و اما یکی از حماسه سازترین قیامهای کشور بود که به حیث یک رویداد پرافتخار و جاودان در تاریخ مبارزات ملی افغانستان جایگاه خاص پیدا کرد. این قیام که به تعقیب یک سلسله قیامهای محلی آن ولایت، به روز 24 حوت سال 1357 یعنی پس از گذشت ده ماه و چند روز از کودتای ثوربه وقوع پیوست و مثل طوفان عظیم به شهر هرات فرا رسید، مدت پنج روز بطول انجامید. این طوفان که از بین مردم ناراض سربلند کرده بود، منحصر به عوام نماند، بلکه در روز سوم آتش قیام نظامی را در فرقه 17 هرات شعله ور ساخت که رژیم از موهبت آن لرزید و دست کمک به سوی ولی نعمت خود - اتحاد شوروی دراز کرد. با آنکه قیام با یک دسیسه آشکار سرکوب شد، ولی اثرات آن تا سالهای دراز ادامه یافت که از جهات مختلف دارای اهمیت و برآزندگی خاص است و به جرأت میتوان گفت که هیچ قیام دیگر درکشورتا آنوقت از نظر ماهیت، اهمیت و پیامدهای مهم به پایه قیام 24 حوت هرات نمی رسد.

حوادث هرات بعد از قیام بدتر از آن بود که در جریان قیام به وقوع پیوست. اساساً قیام هرات بود که زمینه ساز تهاجم قوای شوروی به افغانستان گردید. نقطه عطف و فشار این تهاجم بیشتر در دهلیز هرات و در ادامه در ساحات جنوب غربی و جنوب شرقی کشور متمرکز بود، جائیکه برای اهداف طویل المدت روسیه و بعداً شوروی همیشه شامل پلانهای توسعه جویانه آن کشور بطرف آبهای گرم محسوب می شد. همین موقعیت حساس و مهم ستراتیژیک این منطقه بود که از قرنهای بدینسو هرات را به یک معبر بزرگ مدنیت ها و هم محل رقابت قدرتهای بزرگ مبدل کرده بود و هرکشورگشا را به تسخیر آن وامیداشت. به همین اساس در 26 دسمبر 1979 فقط 9 ماه بعد از قیام هرات، قوای سرخ شوروی به افغانستان هجوم آورد و مدت 9 سال و چند ماه کشور را به خاک و خون کشانید و مردم را آواره در هر شهر و دیار ساخت.

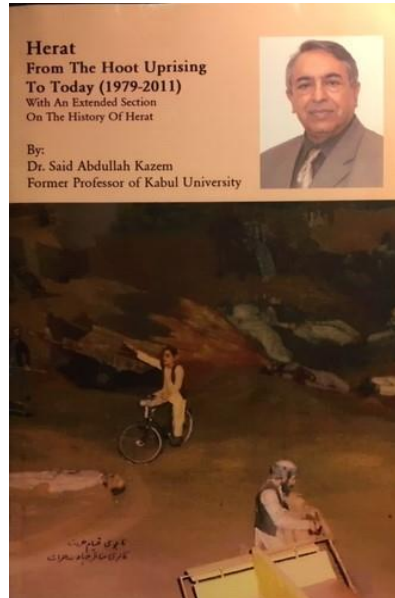
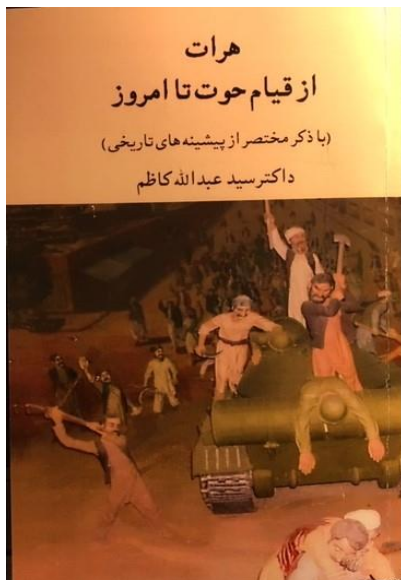
در این ارتباط قابل ذکر میدانم که هنگام وقوع قیام هرات من در پلچرخی زندانی بودم و آنوقت امکان دسترسی اطلاعات از خارج به داخل زندان قطعاً میسر نبود. سه ماه بعد از رهائی زندان در ماه اپریل 1980 با فامیل نخست به اروپا و بعداً به امریکا مهاجر شدم. تحقیقات اولی من در موضوع قیام هرات سالها بعد، هنگامی صورت گرفت که برای اولین بار کتاب «خاک اولیا» را در سال 1992 مطالعه کردم. بخش های این کتاب در مورد چگونگی قیام برمن اثر گذاشت تا بیشتر تجسس و تحقیق کنم و کتابی در زمینه بنویسم. این کتاب را زیر عنوان "هرات - از قیام حوت تا امروز با ذکر مختصر از پیشینه های تاریخی" در سال 2011 نوشتم و در ماه اکتوبر همان در کالیفورنیا به چاپ رسید که خوشبختانه مورد توجه علاقمندان قرار گرفت و به سرعت کمیاب شد. از آنوقت تا حال با وجود تقاضای دوستان برای چاپ دوم آن موفق نشده ام. از آنجائیکه کتاب مذکور در 496 صفحه بطور همه جانبه بررسی و تدوین گردید، خواستم مختصر آنرا در یک رساله در حوالی 90 صفحه نیز چاپ و در دسترس علاقمندان قرار دهم. این رساله را به مناسبت سی و چهارمین سالگرد این

د پانو شمیره: له 1 تر 6

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼونه: د لیکنيزې بڼې پاڼوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په څير و لولئ

قیام در ماه مارچ 2013 در کالیفورنیا به چاپ رسانیدم. (هر دو کتاب در آرشیف کتابخانه حبیبه در ویسایت افغان جرمن آنلایه موجود است. کسانیکه به مطالعه بیشتر در این مورد علاقمند باشند، میتوانند به آرشیف مذکور مراجعه نمایند.)



آغاز قیام:

درباره چگونگی شروع قیام مختصر باید گفت که جنبش های محلی در قریه سلیمی (مربوط ولسوالی پشتون زرغون)، قیام در ولسوالی های غوریان، زنده جان، گذره، انجیل، کشک کهنه و دیگر ساحات سرآغاز قیام بزرگ در شهر هرات گردید، طوریکه مردم از قریه ها و ولسوالی های مذکور بروز پنجشنبه 24 حوت 1357 با

خروش بی نظیر هریک با بیل، شاخی، تیر، شمشیر و چوب و حتی با دستان خالی و عده ای با تفنگ های قدیمی بسوی شهر هرات براه افتادند. آنها از معابر مختلف از جمله درب قندهار، درب عراق، چهار سو و از آنجا به سمت درب ملک و نیز از طرف شمال بسوی شهرنو هرات سیل آسا و خشمگین با ناره های تکبیرطی طریق کردند و بر قوای امنیتی که با سلاح ثقیله و خفیفه آماده حمله بر مردم بودند، برخورد کردند و موفق شدند تا مرکز پولیس و قوماندانی امنیه هرات را با وجود مقاومت شدید قوای امنیتی آنجا تسخیر نمایند. در این رویداد صدها تن از مردم جام شهادت نوشیدند، تا جائیکه در حوالی شام همان روز همه سرکهای مرکز شهر پر از اجساد شهداء بود که هیچکس توان جمع آوری و انتقال شانرا به گورستان نداشت و این موجب شد تا سگ های ولگرد شب هنگام از اجساد غلطیده به خون آنها تغذیه نمایند.

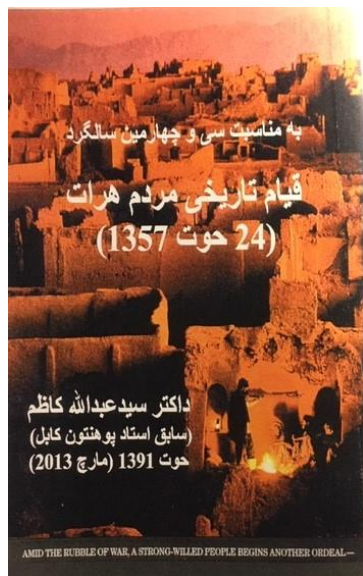
فردای آن روزخونین (جمعه 25 حوت) مقاومت مردم بیشتر شد و قوای نظامی از زمین و هوا به آتش باری بر مردم ادامه دادند و در اثر بمباردمان هوایی که گفته میشود طیاره های جنگی از آنطرف سرحد از خاک شوروی پرواز میکردند، تلفات سنگین به مردم و محلات مسکونی شهر وارد شد. این حملات خونبار نتوانست حلقه مقاومت مردم جان فدا و با ایمان هرات بشکند و همچنان جنگ های خونین در کوچه و پس کوچه شهر ادامه داشت.

بروز سوم یعنی شنبه 26 حوت فرقه نمبر 17 هرات به حمایت از مردم به قیام آغاز کرد و در اثر آن قیام مردم و اردو باهم پیوند خورد و افسران با شهامت با سلاح های دست داشته و سوار بر تانکها به کمک مردم شتافتند و سلاح وافر را در اختیار مردم که تا آنوقت با دستهای خالی می جنگیدند، قرار دادند. هرات بدست مردم در آستانه سقوط قرار گرفت و مردم از خوشی و چیره شدن بر قوای حکومتی خوشحال بودند.

د پانو شمیره: له 2 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرو مخکي په خیر و لولئ

در این روز اطلاع رسید که قوای قندهار نیز بسوی هرات حرکت کرده و در حواشی ولایت هرات رسیده اند. مردم و افسران مجاهد فکر کردند که قوای قندهار با برافراشتن بیرق های سبز به سرگردگی شهنواز تنی و شخص دیگر بنام "انجیر گل" به کمک آنها آمده اند، لذا حین مواصلت قوا مانع دخول شان به شهر نشدند. با این نیربگ قوای خلقی توانست به سرعت داخل عمل شده و فرقه هرات را از تسلط افسران مجاهد بیرون کنند. آنها پس از اشغال فرقه روی به جمعیت مردم کردند و بر شدت جنگ افزودند تا آنکه قیام را سرنگون ساختند و از آن به بعد گیر و گرفت ها و کشتن و در بند انداختن ها در هرات آغاز شد و ماه ها طول کشید که در مجموع هزارها هزار از مردمان با شهامت آن ولایت به زندان افکنده شدند و تعداد بیشمار به شهادت رسیدند.



با آنکه قیام هرات پس از پنج روز خونین باتلفات سنگین بشری و ویرانی شهر و دیار عملاً پایان یافت و برای مردم آنجا جز درد و رنج دوامدار چیزی دیگر به ارمغان نیاورد، ولی در سطح ملی و بین المللی نتایج و پی آمدهای بسیار مهم و بزرگ را در قبال داشت که به جرأت میتوان آنرا یک «نقطه عطف و چرخش عظیم» در تاریخ جهاد و در تغییر معادله قدرت در بین رژیم، در منطقه و حتی جهان دانست که اینک گزارشی مختصر از یکی از عواقب و پی آمدهای بعدی این قیام ذیلاً به توجه رسانیده میشود:

عواقب و پی آمدهای مهم قیام:

قیام هرات اولین ضربه محکم و مدهش به رژیم کابل وارد کرد و شگافی را که از مدتی قبل بین تره کی و امین در داخل جناح خلق بطور نامحسوس ایجاد شده بود، از عمق به سطح آورد و جدال قدرت را بین آنها علنی و آشکار ساخت که در نتیجه به کودتای امین علیه تره کی انجامید و بعداً زمینه تهاجم قوای شوروی در افغانستان را فراهم کرد. نبی عظیمی از قول پوزانوف سفیر شوروی در کابل مینویسد: «بعد از حادثه هرات متوجه شدم که امین روز بروز دارای قدرت و صلاحیت بیشتر میگردد و تمام مسائل و امور نظامی را قبضه کرده است. روزی نزد تره کی رفتم و برایش گفتم که وضع در کشور خراب شده، جنگهای داخلی آغاز گردیده است، درین بازی پاکستان، امریکا و کشورهای عربی نیز دخیل اند. وضع ایجاب میکند شما باید تمام امور و رهبری کشور را در دست بگیرید... شما چرا باز هم امین را به حیث مسؤل امور نظامی کشور تعیین نموده اید؟ او به حرفهایم گوش نداد و گفت اینکار بنابر تصویب شورای انقلابی صورت گرفته است..» (نبی عظیمی: "اردو و سیاست در سه دهه اخیر افغانستان"، پشاور، چاپ دوم، 1377، صفحه 197)

راجا انور یکی از چپگرایان پاکستانی که در آنوقت به کابل پناه آورده و بعداً چند ماه در زندان پلچرخ زندانی شده بود، در کتاب خود «تراژیدی افغانستان» در این مورد چنین می نویسد: «حوادث هرات رژیم را بار دیگر متوجه تصفیه بقایای پرچم ساخت و نیز جدال قدرت را در داخل جناح خلق تشدید کرد. در شب 17 مارچ (روز سوم قیام) هنگامیکه تماس هرات با سائر نقاط کشور قطع شده بود، شورای انقلابی در کابل بطور عاجل تشکیل جلسه داد. این یک فرصت مناسب برای وطنجار، گلابزوی و مزدوریار بود تا درباره امور دفاعی کشور که در رسمیات از صلاحیت تره کی و اما در عمل قدرت در دست امین بود، صحبت نمایند. امین بعد از حادثه کنگر (قتل عام کرهاله) و بخصوص

د پانو شمیره: له 3 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوولې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې ښې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ

بعد از قیام هرات در موقف حساس و سوال انگیز قرار داشت، زیرا مسئولین نظامی هردو ولایت را او از جمله هواداران خود مقرر کرده بود. گروه وطنجاردعا داشت که اگر وزارت دفاع به موقع لازم اقدام میکرد، از بروز حادثه کمر و هرات به سهولت جلوگیری شده میتوانست. «(راجا انور: تراژیدی افغانستان" به زبان انگلیسی، نیویارک، 1988، صفحه 157)

در جلسه فوق الذکر تلاش بر آن بود تا امین از عهده وزارت دفاع برکنار گردد و امور دفاعی کشور به یکی از طرفداران تره کی یعنی گروه وطنجار سپرده شود. بعد از بحث و جدل زیاد به روی مصلحت حزبی فیصله شد تا صلاحیت امور دفاعی کشور به وطنجار انتقال یابد و امین به حیث صدراعظم (لمری وزیر) و وزیر خارجه ایفای وظیفه نماید. به این اساس حزب یکبار دیگر توانست مشکل سیاسی را از طریق تقسیم مجدد صلاحیت در وزارتها مؤقتاً حل کند. راجا انور می نویسد: «در حالیکه امین مجبور شد از وزارت دفاع خود را کنار بکشد، اما در واقع نمی خواست از اردو فاصله بگیرد. از آنرو در جلسه بیرونی سیاسی مورخ 26 مارچ پیشنهاد کرد که وزیر جدید دفاع باید نزد کمیته عالی دفاع از وطن مسؤل باشد. این پیشنهاد قبول شد. در این موقع امین یکی از اقارب نزدیک خود جنرال محمد یعقوب را به حیث «لوی درستیز» و اقبال وزیری - یکی از سرسپردگان خود را که معلم مکتب و یک شخص ملکی بود، به حیث آمرسیاسی پر قدرت آن وزارت مقرر کرد. به این اساس دو مقام مهم وزارت دفاع به هواداران سرسخت امین سپرده شد. وطنجار از این خوش بود که در راس وزارت دفاع قرار دارد، با آنکه خوب میدانست که این مقام بیشتر یک مقام تشریفاتی است، زیرا او صلاحیت ترفیعات، تبدیلات و یا طرح پالیسی ها را نداشت.» (راجا انور: تراژیدی افغانستان" ...، صفحه 159)

با آنکه اختلاف بین طرفداران تره کی و امین در همه جا شایع بود، مگر تره کی هنوز هم از وفاداری امین نسبت به خود به مثابه «گوشت و ناخن» یاد میکرد که از هم جدا بوده نمی توانند. حوادث بعدی واضح ساخت که شکاف بین گروه امین و طرفداران تره کی (مهما به گروه وطنجار) بیشتر می شد و مناسبات هردو روبه تیرگی میرفت. امین بعد از جلسه 26 مارچ در چند جا بدون ذکر نام گروه وطنجار از دشمنان «طبقه کارگر» یاد کرد که میخواهند در رهبریت حزب دموکراتیک خلق نفوذ کنند. امین تلاش کرد تا تره کی را از حمایت گروه وطنجار منصرف و به خود ملحق سازد. لیکن این تلاش نتیجه نداد. برعکس اسدالله سروری رئیس مقتدر «اگسا» که از حامیان امین بود، از امین آزرده خاطر شد و به گروه طرفدار تره کی پیوست. امین زیر نام «رهبریت دسته جمعی» در ماه جولای یعنی اواخر سرطان تغییرات جدی را در کابینه ایجاد کرد، بر علاوه ای جابجا کردن مهره های خود در پست های حساس کابینه، امور وزارت دفاع را خودش بعهده گرفت، وزارت خارجه را به یکی از معتمدان نزدیک خود داکتر شاه ولی سپرد و مصلحتاً وطنجار را به وزارت داخله گماشت. با اینکار امین از «رهبر بزرگ خود» تره کی سلب صلاحیت کرد و نقش او را به حیث یک شخصیت تشریفاتی در چار دیوار ارگ (خانه خلق!!) محصور ساخت، حتی نگذاشت که دیگر با رسانه ها مصاحبه کند.

با وجود اینکه امین در بین خلقی ها نفوذ داشت، اما جناح خلق در مجموع کوچک بود و نمیتوانست امین را در راس قدرت بطور منفرد و یکه تاز نگهدارد. این خصوصیت را شوروی خوب درک کرده بود و آینده رژیم را در دست امین نامطمئن می دید. لذا طوریکه بعداً آشکار شد، شوروی برای بقای رژیم در فکر آن افتاد تا یک ائتلاف جدید را بین تره کی و ببرک کارمل ایجاد کند. اوایل سپتمبر

1979 تره کی با هیئت معیتی به شمول داکتر شاه ولی وزیر خارجه (ازگروپ امین) جهت اشتراک به کنفرانس سران کشورهای غیرمنسلک به «هاوانا» رفت واما دربرگشت بصورت غیرمترقب مقامات شوروی برایش اطلاع دادند که برژنف آرزوی ملاقات را با او دارد. درمسکو تره کی سه ساعت به تنهایی با مقامات عالی شوروی مذاکره داشت و متعاقب آن در یک اجتماع حزبی های افغان گفت که : «درحزب ما یک دانه سرطان است که باید کشیده شود.. من دانه را تشخیص داده ام و حزب را علاج میکنم»، البته هدف او واضحاً امین بود. (طنین، داکتر ظاهر: "افغانستان در قرن بیستم - 1990 تا 1996"، تهران، چاپ اول، 1384، صفحه 266 و 267)

درعین زمان شوروی زمینه دیدار و ملاقات تره کی را با کارمل بتاریخ 11 سپتمبر 1979 درمیدان هوایی مسکو فراهم کرد. وقتی امین ازطریق شاه ولی به این موضوع پی برد، فوراً تصمیم گرفت تا چهارعضو کابینه (مسما به چهار کلاه : وطنجار، گلابزوی، مزدوریار و سروری) را که همه حامیان پرقدرت تره کی بودند، از مقام های شان برکنار سازد. اینها درنظر داشتند تا امین را حین برگشت تره کی از سفر، درراه میدان هوایی کابل ترورنمایند که پلان عملی نشد. وطنجار، گلابزوی و سروری از ترس امین به سفارت شوروی پناه بردند (هرسه بعداً به وسیله سفارت بطور مخفی به شوروی انتقال داده شدند).

هنگامیکه امین به وساطت پوزانوف سفیر شوروی درکابل جهت مذاکره با تره کی به ارگ دعوت شد، برخورد مسلحانه بین محافظین تره کی و امین درداخل قصر صورت گرفت. امین از حادثه جان به سلامت برد و متعاقباً علیه تره کی کودتا و او را ازقدرت برکنارکرد. چند روز بعد تره کی را به وسیله عمال خود ازبین برد و خودش زمام امور را بدست گرفت. امین صد روز در قدرت بود، تا آنکه بتاریخ 26 دسمبر 1979 قوای شوروی به افغانستان سرازیر شد، امین و نزدیکانش را طی یک برخورد شدید مسلحانه در تپه تاج بیگ (اقامتگاه جدید امین) به قتل رسانید و کارمل را به مسند قدرت نصب کرد. (برای شرح مزید موضوع میتوان از مأخذ متعدد استفاده کرد، از جمله : "اردو سیاست"، تألیف نبی عظیمی....، صفحات 196 تا 225)

از آنچه با بسیار اختصار بیان شد، واضح میگردد که قیام هرات نه تنها موجب اختلاف در درون جناح خلق و درنهایت کودتا علیه تره کی و بقدرت رسیدن امین شد، بلکه انگیزه های اساسی مداخله مستقیم شوروی و بالاخره پس از 9 ماه زمینه تجاوز آن کشور را به افغانستان، کشتن امین و نصب بیرک کارمل در راس قدرت و اتکاء مزید به جناح پرچم را نیز فراهم کرد.

با اتحاف دعا به روان پاک همه شهداء و قربانیان این قیام بزرگ و تاریخی کشور میخواهم یک پارچه شعر را که در باره این قیام بزرگ محترمه صاعقه احراری - شاعره معاصر هرات، مقیم هامبورگ قبلاً سروده و آنرا در آغاز کتاب "هرات - از قیام حوت تا امروز" درج کرده ام، در اینجا بگنجانم:

عنوان شعر: بیست و چار حوت، روزقهرمانان هرات

روز عزم و رزم پیر و نوجوانان هرات
روز عشق و جانفشانی بهر ناموس وطن
روز والای غیور و شیرمردان هرات

د پانو شمیره: له 5 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوولې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولئ

روز رسوائی روس و نوکران برژنیف
 روزتار و مار دشمن از شبستان هرات
 روز نفرت از رژیم خود فروش بیخدا
 روز طغیان و خروش نیکمردان هرات
 با کلنگ و بیل و چوب و پای پراز خاک و گل
 سیل آسا آمدند از دشت و دامان هرات
 نعره الله اکبر سر نمودند هر طرف
 غرش و طوفان نمودند، جانفشانان هرات
 جمله قرأت و محلات، پیر و برنا جانفشان
 یک قیام بی مثال کردند بمیدان هرات
 از برای حفظ دین و ملت پرافتخار
 این شهامت را نمودند رزمجویان هرات
 یک قدم بیرون نرفتند از قیام خویشتن
 تا شهید رزم گشتند پاسداران هرات
 خصم ملت شد (تَرَک*)، آن نوکرمنحوس روس
 آتش بیداد ریخت برکاخ و ایوان هرات
 تانک و طیارات کردند صحنه را تاریک و تار
 سیل خون گردید روان درجویباران هرات
 شدهزاران تن شهید ز دست ظالم یک زمان
 آه ازین بیداد که رفت برجانثاران هرات
 از خیابان هری تا درب سلطان شهید
 جا نماند از نعل و خون مستمندان هرات
 جان به کف جام شهادت نوش کردند بهردین
 صد درود و آفرین بر آن شهیدان هرات
 لاله زار و داغدار است دشت و دامان وطن
 تا ابد از خون پاک آن شهیدان هرات
 همچو چنگیز و هلاکو زشت تاریخ شد تَرَک*
 تا ابد هر جا شود ذکری ز دوران هرات
 «صاعقه» گوید شب و روز این دعا از صدق دل
 لطف حق باشد همیشه یار و نگهبان هرات
 (* مقصد از «تَرَک» نورمحمد تره کی است)

د پانو شمیره: له 6 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
 یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولئ